

راهبردهای صفارزاده و مجتبوی در «ابهام‌زدایی» واژگانی قرآن کریم و میزان بسندگی و پذیرفتگی آن‌ها براساس الگوی گارسس

مرضیه رحیمی آذین^۱، مرتضی قائمی^{۲*}، سید مهدی مسبوق^۳

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

۲- استاد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

۳- استاد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۱۰

دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۰۵

چکیده

ترجمه «ابهام» به ویژه در قرآن کریم یکی از چالش‌برانگیزترین مسائل زبان‌شناسی است که برای برون‌رفت از آن انواع راهبردها ارائه شده است. گارسس با بهره‌گیری از آراء نیومارک، تکنیک‌هایی برای ترجمه آن‌ها ارائه داده و در نهایت براساس این الگو «میزان ویژگی‌های مثبت و منفی بیانگر بسندگی و پذیرفتگی ابهام در متن ترجمه‌شده» مورد بررسی قرار گرفته است. پژوهش حاضر با رویکردی تحلیلی از نوع مقابله‌ای، ترجمه‌های مجتبوی با محوریت سبک ارتباطی و صفارزاده با محوریت سبک آزاد را از جزء سی‌ام قرآن کریم با هدف بهبود بخشیدن به کیفیت متن ترجمه شده به‌ویژه در چالش‌های ابهام‌زدایی، براساس یک نظریه و الگوی علمی، مورد بررسی قرار داده است. سپس با تکیه بر آمار، مقادیر به دست آمده از این تکنیک‌ها، مقایسه شده و میزان کفایت و مقبولیت هر کدام در ابهام‌زدایی بخش‌های مختلف سطح واژگانی شش سوره اول جزء سی‌ام مشخص گردیده است. برآیند پژوهش بیانگر این است که ترجمه مجتبوی از واژگان چندمعنا و مجازی، بسندگی و پذیرفتگی بالاتری نسبت به صفارزاده برخوردار است. صفارزاده با ارائه متنی مقصدمحور و به دور از ابهام، دچار افزوده‌های خلاقانه و پیچیده در شفاف‌سازی ابهام‌ها شده است؛ به‌ویژه در واژگان مجازی. اگرچه در برخی موارد که نیازمند «شرح مبسوط» است همچون تلمیحات قرآنی، ترجمه مجتبوی نسبت به صفارزاده کفایت و مقبولیت کمتری به خود اختصاص داده است. به‌طور کلی براساس الگوی گارسس، راهبردهای مجتبوی از کفایت و مقبولیت بالاتری نسبت به صفارزاده در ابهام‌زدایی برخوردار است.

واژگان کلیدی: ترجمه قرآن کریم، ابهام‌زدایی، گارسس، بسندگی، پذیرفتگی

۱- مقدمه

ترجمه به عنوان عامل مهم زبانی برای تعامل بشریت، از دیرباز مورد توجه انسان اجتماعی قرار داشته است. ترجمه‌ها براساس سبک نویسنده و سبک مترجم با هم تفاوت‌های فراوان دارند که باعث تفاوت در کیفیت و میزان مقبولیت متن ترجمه شده می‌شود. این مهم به‌ویژه در ابهام‌ها و پیچیدگی متون توجه بیشتری را به خود معطوف می‌کند؛ ابهام‌هایی که هم برآمده از بافت بیرونی متن از جمله فرهنگ و فضای اجتماع است و هم بافت درونی زبان. ابهام‌ها همیشه غیر بلیغ و مردود نیستند؛ در بسیاری موارد فرستنده پیام، با استفاده از پیچیدگی‌های زبانی با هدف ایجاد چالش در ذهن گیرنده، پیامی مبهم و چندجانبه که دارای تأویل‌ها و تفاسیر متعددی است می‌فرستد. قرآن کریم که در اوج فصاحت و بلاغت است از ابهام‌های زبانی هدفمند بسیار بهره گرفته است. به همین علت دارای بطون و تفاسیر متعدد است. با افزایش ابهام در زبان مبدأ، مترجم به عنوان واسط بین مبدأ و مقصد دچار فراز و فرودهای بیشتری برای ایجاد تعادل در ترجمه می‌شود. به‌ویژه در متن قرآن کریم که هدفمند بودن ابهام‌ها خصوصاً در بخش فرهنگی و مجاز به مراتب بازگردانی به زبان‌های دیگر را سخت‌تر و پیچیده‌تر می‌کند.

۱-۱- بیان مسئله

در علم «ارزیابی کیفیت ترجمه»^۱ به عنوان شاخه‌ای از مطالعات ترجمه سعی می‌شود نقاط قوت و ضعف ترجمه‌ها، به منظور بهبود هرچه بیشتر کیفیت متن ترجمه شده مورد ارزیابی قرار گیرد. به همین علت ارزیابی کیفیت ترجمه نیازمند چارچوبی علمی و نظری است تا از نقدهای سلیقه‌ای بکاهد. به منظور نیل به چنین هدفی نظریات و متناسب با اهداف و چهارچوب نظری، انواع الگوهای سنجش کیفیت ارائه شده است. از این میان می‌توان به الگوی گارسس اشاره کرد. وی در الگوی پیشنهادی خود که تلفیقی از چند نظریه بوده و در آن به نظریات زبان‌شناسان و نظریه‌پردازان ترجمه توجه

شده است، برای مقایسه شباهت‌های بین متن مبدأ و متن مقصد چهار سطح پیشنهاد می‌کند. بعد از بررسی سطوح مختلف در متن ترجمه‌شده، آنچه که در نهایت مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد، میزان ویژگی‌های مثبت و منفی بیانگر بسندگی و پذیرفتگی متن ترجمه‌شده نسبت به متن مبدأ است. از بین این سطوح، بخش «ابهام» در سطح «معنایی - لغوی» در پژوهش حاضر مورد توجه است. «ابهام» متن شامل ابهام در واژه، عبارت، جمله، مفهوم و... است که هر یک دارای ابعاد گوناگونی بوده و مترجمان برای بازگردانی آن‌ها نیازمند راهبردها و روش‌های علمی هستند. براساس انواع مختلف راهبردهای ترجمه، میزان کفایت و مقبولیت متغیر است. به نظر می‌رسد الگوی گارسس «به سبب گنجایشی که در تعیین میزان قابلیت و کیفیت متون ترجمه شده و نیز میزان مطابقت آن‌ها با متن مبدأ دارد» (آذرشب، ۱۳۹۸: ۲۲۸؛ امرائی، ۱۳۹۷: ۲؛ شمس آبادی، ۱۳۹۷؛ اقبالی نامداری، ۱۳۹۷) می‌تواند چارچوب کارآمدی برای بررسی کفایت و مقبولیت ترجمه‌ها باشد.

در حوزه ترجمه قرآن کریم به عنوان متن دینی که اصل «وفاداری» در آن باید حفظ شود، مسئله کیفیت متن ترجمه‌شده، حساسیت و دقت چندبرابری می‌طلبد. ترجمه قرآن کریم از همان دهه‌های ابتدایی نزول در جهت گسترش اسلام مورد توجه بوده و هست و تاکنون بارها به زبان‌های مختلف بازگردانده شده است. این نوع ترجمه‌ها با توجه به ابعاد گوناگونی چون زمان و عصر ترجمه، سبک و نوع ترجمه، دیدگاه و تفسیر مدنظر مترجم متفاوت بوده و در نتیجه کیفیت هر کدام متغیر است. راهبردی که مترجم سبک آزاد در ترجمه مقصدمحور دارد با راهبرد مترجم مبدأمحور و یا مترجم سبک ارتباطی که هم به مقصد توجه دارد و هم تلاش دارد از مبدأ دور نشود، متفاوت است. نیومارک^۱ براساس تأکید بر زبان مبدأ و مقصد، سبک‌های ترجمه را به هشت نوع تقسیم کرده است:

۱- براساس تأکید بر زبان مبدأ: لفظ به لفظ، تحت‌اللفظی، وفادار، معنایی.

۲- براساس تأکید بر زبان مقصد: ارتباطی، سبکی، آزاد، اقتباس (نیومارک، ۱۳۷۲: ۵۶).

از میان این سبک‌ها دو سبک ارتباطی و آزاد که بر زبان هدف تأکید داشته و در پی رفع ابهام‌های متن هستند انتخاب شده است. معیار انتخاب این دو سبک تکیه بر میزان ابهام‌زدایی آن‌هاست که غالباً براساس زبان مقصد بازآفرینی می‌شوند:

۱- **ترجمه ارتباطی:** ترجمه‌ای است که پیام متن مبدأ را با متداول‌ترین کلمات، عبارات و ساخت‌های دستوری به زبان مقصد برمی‌گرداند (همان: ۵۹). در این سبک مترجم براساس معنای اولیه کلمات، معادل‌یابی نمی‌کند، بلکه تلاش می‌کند براساس معنای کلمه در بافت متن، معادل‌یابی نماید (ناظمیان، خورشیا، ۱۳۹۸: ۲۵۳). ترجمه مجتبی‌ی به این سبک نزدیک‌تر است.

۲- **ترجمه آزاد:** در این سبک، موضوع جدای از حالت یا به عبارتی محتوای بدون قالب متن اصلی بازنویسی می‌شود و معمولاً بازگفته‌ای^۳ است که طولانی‌تر از متن اصلی است و در اصطلاح به آن ترجمه "میان‌زبانی" گفته می‌شود (نیومارک، ۱۳۷۲: ۵۸). این نوع ترجمه مقصدمحور بوده و بر بازگویی و انتقال پیام تکیه دارد تا متن اصلی. ترجمه صفارزاده را می‌توان از این نوع ترجمه در نظر گرفت. هرچند در برخی موارد ترجمه وی به ترجمه تفسیری هم نزدیک می‌شود. بنابراین، دو سبک به عنوان سبک‌های پرکاربرد و مقبول در ترجمه دو مترجمی که دارای مقبولیت بالایی هستند بررسی خواهد شد: طاهره صفارزاده با محوریت ترجمه آزاد، مجتبی‌ی با محوریت ارتباطی.

علاوه بر انتخاب سبک‌ها، نوع ابهام موجود در آیات الهی که برآمده از ذوجوه و ذوبطون بودن متن قرآن است، بر انتخاب و میزان کیفیت ترجمه آن تأثیری بسیاری دارد. تفاسیر گوناگون، انعطاف و چندگانگی معنایی و صرفی و نحوی در زبان عربی، معانی ثانویه و کنایی و استعاری، باعث شده راهبردهای بازگردانی ابهام‌های قرآن به زبان دیگر تنوع بسیاری داشته باشد. بنابراین، مترجمان در ترجمه ابهام‌های قرآن کریم راهبردهای متفاوتی دارند که در برخی مواقع دارای کفایت و مقبولیت مثبت است و در مواقعی دیگر بسندگی و پذیرفتگی قابل قبولی را به دست نمی‌آورد. از این نظر، بررسی کیفیت

راهبردهای صفارزاده و مجتبوی در «ابهام زدایی» واژگانی قرآن کریم ... _____ مرضیه رحیمی آذین و همکاران

راهبردهای آن‌ها و بیان میزان قوت و ضعف هر کدام از راهبردها در جهت بهبود بخشیدن به کیفیت متن ترجمه شده به‌ویژه در چالش‌های ابهام‌زدایی، براساس یک نظریه و الگوی علمی از اهداف اصلی پژوهش حاضر است.

این منظور با استفاده از تحلیل‌های آماری و داده‌محور شش سوره ابتدایی جزء سی‌ام قرآن کریم، انجام می‌شود. این جزء که شامل آیاتی با فواصل کوتاه بوده و غالباً مسائل توحید و رستاخیز را به تصویر می‌کشد، دارای موارد مبهم بسیاری در واژگان خود است؛ به همین دلیل در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است.

همچنین با توجه به عمق و جامعیت واژگانی قرآن کریم، در این پژوهش فرصت پرداختن تمامی جزء سی‌ام به دست نخواهد آمد. لذا ضمن بررسی میزان کفایت و مقبولیت راهبردهای دو مترجم بارز در دو سبک آزاد و ارتباطی در بازگردانی ابهام‌های واژگانی شش سوره ابتدایی آن یعنی سوره‌های مبارکه «نبا، نازعات، عبس، تکویر، انفطار و مطففین» بسامدها و آمارها به صورت جدول و نمودار ارائه شده است.

۲-۱- سوالات پژوهش

بنابر آنچه گفته شد، پژوهش حاضر در پی پاسخ‌گویی به پرسش‌های زیر است:

۱- راهبردهای مجتبوی و صفارزاده در ترجمه ابهام‌های واژگانی کدام است؟

۲- هر کدام از راهبردهای مترجمان در ابهام‌زدایی از چه بسامدی برخوردار است؟

۳- کدام یک از سبک‌های ترجمه‌ای یادشده زمینه بیشتری برای حصول پذیرفتگی و

بسندگی بهتر در ابهام‌زدایی واژگانی فراهم کرده است؟

به نظر می‌رسد این دو مترجم که در انعکاس ابهام قرآنی تکنیک‌های متفاوتی دارند،

بسامدهای متمایزی در به‌کارگیری راهبردهای خود داشته باشند و در همین راستا کفایت و

مقبولیتی متفاوت در راهبردهای خود به دست آورده‌اند.

۱-۳- پیشینه و ضرورت پژوهش

مطالعات و پژوهش‌های فراوانی در رابطه با بررسی کیفیت ترجمه‌های قرآنی و متون دینی با هدف برانگیختن چالش‌ها و بهبود هرچه بیشتر ترجمه‌ها با تکیه بر الگوها و نظریات مختلفی چون هاوس، یاکوبسن، هالیدی و حسن به زبان‌های مختلف انجام شده است. از این میان الگوی گارسس در چندسال اخیر مورد توجه پژوهشگران ترجمه قرار گرفته است. از جمله پژوهش‌های قرآنی که براساس الگوی گارسس سامان یافته می‌توان به این پژوهش‌ها اشاره کرد:

در مقاله «نقد واژگانی ترجمه موسوی گرمارودی از قرآن کریم (با تکیه بر سطح معنایی-لغوی گارسس)» (۱۳۹۶)، محمد رحیمی خویگانی فقط یک سطح از این الگورا در نظر گرفته و به صورت نمونه‌ای کیفیت این ترجمه را مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

امرائی در مقاله «نقد و ارزیابی ترجمه قرآن آیت‌الله یزدی براساس نظریه گارسس» (۱۳۹۷)، سوره بقره را براساس چهار سطح بررسی کرده و به این نتیجه می‌رسد که مترجم در دو سطح «سبکی و معنایی» موفق‌تر از دو سبک دیگر است.

اقبالی و نامداری در مقاله‌ای با عنوان «نقد و بررسی ترجمه الهی قمشه‌ای و مکارم شیرازی از سوره مبارکه یوسف با تأکید بر نظریه صرفی نحوی گارسس» (۱۳۹۷)، این سوره مبارکه را فقط براساس یک سطح بررسی کرده و جنبه‌های قوت و ضعف ترجمه‌های منتخب را بررسی کرده‌اند. در این پژوهش در یک بخش به ابهام‌های قرآنی و راهبرد مترجمان برای بازگردانی آن‌ها به صورت بسیار مختصر اشاره شده است.

آذرشب به همراه ملکی و اسداله‌ئی در پژوهشی با عنوان «تطبیق و ارزیابی ترجمه‌های قرآن کریم فولادوند و الهی قمشه‌ای براساس الگوی گارسس» (۱۳۹۸) سوره مبارکه قمر را براساس چهار سطح بررسی کرده و در یک بخش به صورت بسیار مختصر ابهام سه واژه را تحلیل کرده‌اند.

درباره ابهام‌های قرآنی پژوهش‌های پرشماری در سال‌های اخیر صورت گرفته است.

راهبردهای صفارزاده و مجتبی در «ابهام زدایی» واژگانی قرآن کریم ... _____ مرضیه رحیمی آذین و همکاران

اسعد عرار در پایان‌نامه «ظاهره اللبس فی العربیه» ابهام‌ها را در تمامی ابعاد خود به‌ویژه در متن قرآن بررسی کرده است.

همچنین جواهری در مقاله «ابهام‌شناسی در ترجمه قرآن کریم» (۱۳۸۷) انواع ابهام‌های قرآنی را بررسی کرده و برای ترجمه آن‌ها روش‌هایی ارائه داده است.

یوسف نظری در مقاله «وجوه ابهام یا ابهام نحوی در زبان عربی و تأثیر آن بر ترجمه قرآن کریم» (۱۳۹۵) بر آن است که ابهام و ابهام در دوران معاصر بر یک پایه می‌چرخند و سپس مواردی از ترجمه ابهام‌های قرآنی را بررسی می‌کند.

هرچند در مواردی از پژوهش‌های مذکور به صورت خلاصه راهبردهای ابهام‌زدایی در یکی از ترجمه‌ها بررسی شده است اما، تا آنجا که نگارندگان پژوهش پیش‌رو جستجو نموده‌اند تاکنون پژوهشی به صورت مقابله‌ای و آماری به نقد و بررسی راهبردهای مترجم در شفاف‌سازی ابهام‌های واژگانی چند ترجمه از قرآن کریم براساس الگوی گارسس به صورت مستقل نپرداخته است. لذا در راستای پیشبرد و بهبود ترجمه‌های کتاب الهی به زبان فارسی، به‌ویژه در انعکاس ابهام‌های قرآنی، بررسی و تحلیل تکنیک‌های ترجمه‌ها با سبک‌های متفاوت براساس الگوی واژگانی گارسس امری مهم به نظر می‌رسد. چه، افزایش پژوهش‌های ترجمه براساس الگوهایی نظام‌مند و روش‌مدار باعث بهبود هرچه بیشتر در کیفیت ترجمه‌های قرآن کریم خواهد شد.

۲- مبانی نظری پژوهش

گارسس برای ترجمه ابهام‌ها بر نظریات مختلفی چون نیومارک تکیه دارد. در این بخش انواع ابهام‌ها از منظر نیومارک و راهبردهای گارسس برای بازگردانی آن‌ها بررسی شده و نیز میزان کفایت و مقبولیت آن‌ها با توجه به تداخلی که با راهبردهای منفی یا مثبت در الگوی گارسس دارند، بیان خواهد شد.

۲-۱- ابهام

ابهام^۴ برگرفته از واژه «بُهْمَة» به معنای بسته و نامفهوم و یا برگرفته از واژه «بَهْم» به معنای کار دشوار و نشدنی است. «ابهام الأمر» یعنی کار مشتبه شود به طوری که چاره‌اش را ندانی (لسان العرب، ۱۴۱۰، ج ۱۲: ۶۵۵). در اصطلاح به معنای این است که کلمه، عبارت و یا جمله‌ای بیش از یک معنا داشته باشد (نظری، ۱۳۹۵: ۶۴ به نقل از ریچارد، ۲۰۰۲: ۲۴).

تکنیک ابهام، همیشه مردود و جزء غیرفصیح و نامفهوم زبان نیست، چه، به‌ویژه در بخش ادبی باعث عمق‌بخشی معانی می‌شود. «ابهام، جوهره ادبیات است و ارزش هنری و راز ماندگاری آثار جاودانه بسته به میزان ابهام نهفته در آن‌هاست. ابهام با شرکت دادن خواننده در آفرینش معنا، نوعی تعامل میان خواننده و متن ایجاد می‌کند» (فتوحی، ۱۳۸۷: ۳۲). بنابراین، قرآن کریم که در اوج فصاحت و بلاغت قرار دارد، می‌تواند با ایجاد واژگان، عبارات و جملات مبهم بر ارزش معنایی و بلاغی خود بیافزاید و به همین علت دانشمندان تحت‌عنوانی چون «ذوبطون، ذووجه، أشباه، نظایر، اتساع، متشابه» به تفسیر و تأویل قرآن توجه دارند. ابهام‌های قرآن کریم گاهی برگرفته از ابهام زبان عربی است مانند واژگان «چندمعنا»، چه، براساس دیدگاه قرعاوی در کتاب «وجه و نظائر» «زبان عرب از لحاظ تعابیر معانی بسیار گسترده است و می‌تواند یک معنا را با واژگان یا روش‌های مختلف بیان کند» (قرعاوی، ۱۴۱۰: ۱۸) و گاهی برگرفته از ساختارهای چند وجهی و متشابه آیات الهی است که در برخی موارد چندین تأویل از سوی مفسران بر آن مترتب می‌شود.

این تکنیک انواع مختلف و تقسیم‌بندی‌های گوناگونی دارد و در علوم مختلفی چون معناشناسی، زبان‌شناسی، ادبیات، علوم قرآن، فقه، متون قانون و حقوق و... به آن توجه شده است که براساس تعدد نظریات و دیدگاه‌های مختلف شکل گرفته‌اند. از جمله می‌توان به تقسیم‌بندی اسعدعرار از ابهام که کامل‌تر و دقیق‌تر به نظر می‌رسد، اشاره کرد. وی با استفاده از نظریات زبان‌شناسان عربی-غربی، ابهام را به شش دسته تقسیم کرده است: ابهام آوایی، ابهام ساختار صرفی، ابهام ساختار نحوی، ابهام واژگانی، ابهام سبکی، ابهام بافتی (اسعد عرار، ۲۰۰۳: ۲۲۸-۸۷).

۲-۲- ابهام در نظریه گارسس

«ابهام» به عنوان یکی از نامتعیّن‌ترین بخش‌های زبانی در ترجمه است و براساس گونه‌های متفاوت آن، در ترجمه راهبردهایی برای برون‌رفت از این مسئله و تولید ترجمه‌ای متعادل بیان شده است. یکی از کسانی که به این مسئله با عنوان یکی از مهم‌ترین مباحث کیفیت ترجمه توجه دارد خانم کارمن گارسس^۵ است. وی براساس نظریات مختلف ترجمه در سال ۱۹۹۴ میلادی، الگوی پیشنهادی خود را برای ارزیابی کیفیت ترجمه ارائه کرد. این الگوی سنجش کیفیت غالباً جوانب ترجمه و تکنیک‌های آن را در نظر می‌گیرد و در آن به نظریات زبان‌شناسان و نظریه‌پردازان ترجمه، همچون نیومارک، ناید^۶، وینه و داربنله^۷، توجه دارد.

گارسس برای مقایسه شباهت‌های بین متن مبدأ و متن مقصد و ارائه میزان ویژگی‌های مثبت و منفی بیانگر کیفیت «بسندهی یا کفایت»^۸ و «پذیرفتگی یا مقبولیت»^۹ در متن مقصد، چهار سطح پیشنهاد می‌کند.

هریک از این سطوح دارای زیرگروه‌های خاص خود هستند که البته گاهی تشکیل حوزه‌های مشترک می‌دهند:

- ۱- سطح معنایی - لغوی^{۱۰}، ۲- سطح نحوی - واژه‌ساختی^{۱۱}، ۳- سطح گفتمانی - کارکردی^{۱۲}، ۴- سطح سبکی - منظورشناختی^{۱۳} (Garcés, 1994: 70).

وی ابهام را یکی از زیرشاخه‌های سطح معنایی - لغوی معرفی می‌کند و در تقسیم‌بندی ابهام بر آراء نیومارک تکیه دارد. نیومارک در تعریف ابهام چنین می‌گوید: «ابهام یعنی واژه یا ساختار دستوری که علی‌رغم بافتش می‌تواند بیش از یک معنا داشته باشد» (نیومارک، ۱۳۷۲: ۲۸۶). که شامل هفت بخش می‌شود: دستوری، واژگانی، عملکردی یا کارکردی، فرهنگی، در لهجه فردی، در ارجاع، استعاره‌ای (همان: ۲۸۶) و در بخشی دیگر ابهام را به طور کلی به دو گونهٔ تعمّدی و غیر تعمّدی تقسیم می‌کند و اذعان دارد که «در صورت امکان باید در ترجمه ابهام عمّدی را حفظ کرد» (همان: ۲۶۹). اگر چه نیومارک

صحت ترجمه را در عدم ترجمه ابهام‌های عمدی می‌داند اما، این مسئله زمانی قابل اجراست که بر زیبایی ترجمه افزوده شود (به طور متناوب منظور ابهام‌های استعاری و بازگردانی آن‌ها به شیوه استعاره است) و همچنین امکان آن وجود داشته باشد. از دیگر سو، نیومارک معتقد است ابهام‌ها به‌ویژه ابهام‌های واژگانی را باید رفع کرد (همان: ۲۸۷).

گارسس برای ترجمه انواع ابهام‌های برگرفته از تقسیم‌بندی نیومارک، راهبردهایی را پیشنهاد می‌کند که در هر کدام از این راهبردها متکی به دیدگاه‌هایی چون نیومارک، نایدا، وینه و داربلنه، کتفورد و ... است و البته گاهی خود با تلفیقی از آن‌ها راهبردهایی را ارائه می‌کند.

براساس این الگو آنچه که در نهایت مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد، میزان ویژگی‌های مثبت و منفی بیانگر کیفیت «بستگی یا کفایت» و «پذیرفتگی یا مقبولیت» در متن مقصد است؛ «میزان کفایت در حقیقت انطباق عناصر زبانی در دو زبان مبدأ و مقصد و میزان دقت مترجم در رساندن پیام مورد نظر و مقبولیت میزان قابل قبول بودن از سوی خوانندگان زبان مقصد است» (فرزانه، ۱۳۸۷: ۵۴). بنابراین از بین تکنیک‌های پیشنهادی گارسس می‌توان دو گروه اصلی اشاره کرد:

۱- تکنیک‌هایی که دارای بستگی مثبت بوده و نشان‌دهنده کفایت و مقبولیت متن ترجمه شده است. از جمله: تعریف^{۱۴}، معادل فرهنگی^{۱۵} (کارکردی)، بسط نحوی^{۱۶}، توضیح^{۱۷} یا بسط معنا، حفظ صنایع بلاغی.

۲- تکنیک‌هایی که دارای بستگی منفی بوده و نشانگر عدم کفایت و مقبولیت متن ترجمه شده است. از جمله: قبض نحوی^{۱۷}، ابهام، ترجمه تحت‌اللفظی^{۱۹}، نارسایی در معادل‌هایی همچون عناصر فرهنگی و مجازها، بسط خلاقانه^{۲۰}، اشتباه مترجم، کاربرد اصطلاحات نامناسب، بسط ساده^{۲۱}، حذف یا تغییر صنایع بلاغی، تلویح، تقلیل، حذف (Garcés, 1994: 89).

در پژوهش حاضر «ابهام‌های واژگانی»^{۲۲} به عنوان شاخه‌ای از ابهام‌های زبانی و راهبردهای ترجمه آن براساس دیدگاه گارسس مورد توجه است. بنابراین، منظور از «ابهام‌زدایی» در

قرآن کریم: راهبردهای گارسس برای بازگردانی واژگان مبهم است. هر کدام از این راهبردها ذیل سطوح مختلف در پژوهش حاضر ارائه خواهد شد. بعد از توضیح هر مبحث، به نمونه‌هایی در همان باب اشاره شده و سپس جدول‌هایی ارائه می‌گردد که شامل:

۱. نمونه‌هایی از مباحث مورد نظر، ۲. ترجمه آن‌ها، ۳. تفسیر یا معنای واژگانی آن‌ها، ۴. راهبرد ترجمه آن‌ها براساس الگوی گارسس (برگرفته از دیگر سطوح این الگو و یا نظریات مدنظر گارسس)، ۵. میزان و نوع تداخل آن‌ها با تکنیک‌هایی که گارسس منفی معرفی می‌کند، است.

میزان تداخل آن‌ها با تکنیک‌های منفی نشانگر میزان منفی بودن راهبرد مترجم در بازگردانی واژه‌هاست که در جدولی جداگانه ارائه شده است و در مواردی که تداخلی با تکنیک‌های منفی ندارند با علامت خط تیره (-) در جداول نشان داده شده است. در نهایت میزان بسندگی و پذیرفتگی مثبت یا منفی آن‌ها براساس داده‌ها در نمودارها بیان خواهد شد.

۳- تجزیه و تحلیل داده‌ها: راهبردهای مترجمان در ابهام‌زدایی واژگانی

ابهام واژگانی زمانی رخ می‌دهد که یک واژه دلالت‌های چندگانه داشته باشد. «در چنین شرایطی، دلالت‌های چندگانه آن واژه، امکان یک تعبیر مشخص را میسر نمی‌سازد به همین علت آن واژه از چند تعبیر مختلف برخوردار می‌شود» (نظری، ۱۳۹۵: ۶۷). نیومارک معتقد است که «ابهام واژگانی هم از ابهام دستوری معمول‌تر است و هم نسبت به آن مشکل‌تر می‌توان از آن رفع ابهام کرد» (نیومارک، ۱۳۷۲: ۲۸۷). از جمله عمده‌ترین تقسیمات ابهام واژگانی می‌توان به این موارد اشاره کرد: ابهام مقوله‌ای، واژه‌های هم‌آوا-هم‌نویسه، چندمعنایی و واژگان اضداد. مورد اول بیشتر به نقش کلمات و بافت جمله اشاره دارد و در ابهام ساختاری بررسی می‌شود. مورد دوم که با عنوان جناس تام یاد می‌شود، در قرآن کریم علاوه بر اینکه در بافت و سیاق آیات مشخص است، به گفته جواهری به علت وجود تفاسیر و قرائن از ساحت قرآن رفع ابهام شده است (ر.ک: جواهری، ۱۳۷۸: ۱۸۹).

البته نیومارک علاوه بر واژگان چندمعنا و جناس تام، در ابهام واژگانی به استعاره (به معنای کلی مجاز (رک: نیومارک، ۱۳۷۲: ۱۳۷-۱۳۹)) و عناصر فرهنگی هم اشاره دارد: «واژه‌ها ممکن است بین ۱ تا ۳۰ معنی داشته باشند. و احتمال دارد این معانی نزدیک به هم یا متفاوت باشند. گاهی واژه‌ای دو معنی دارد که هر دوی آن‌ها در متن زبانی مربوط به یک اندازه از لحاظ کاربردی و ارجاعی مناسب‌اند. گاهی مثلاً در مورد مفهوم استعاری و تحت‌اللفظی یک واژه می‌توان در ذهن خود با هر دو معنی ترجمه کرد. ... بسیاری از واژه‌های فرهنگی و مفهومی که در بسیاری از زبان‌ها تقریباً جهانشمول هستند، اجزای معنایی متفاوت و نیز مشترکی دارند و روشن نیست که با معنای عادی زبان مبدأ به‌کار رفته‌اند یا با معنایی موجود در زبان‌های دیگر» (همان: ۲۸۷). بنابراین، واژگان مجازی، فرهنگی، چندمعنا و اضداد، در بخش ابهام واژگانی قرار می‌گیرد و انواع ابهام‌های دستوری، ارجاعی، عبارات و جملات مجازی و فرهنگی در بخش ابهام دستوری و ساختار جمله و کلام بررسی می‌شوند. از این رو، واژگان چندمعنا، واژگان اضداد، واژگان مجازی و واژگان فرهنگی در این پژوهش تحلیل و ارائه خواهند شد و در ادامه هر یک از این موارد توضیح داده می‌شود.

۳-۱- واژگان چندمعنا و اضداد

چندمعنایی یا ابهام انتقالی در واژگان، زمانی رخ می‌دهد که یک واژه قاموسی، در بردارنده معانی و دلالت‌های مختلفی باشد (شهبازی، ۱۳۹۳: ۵۲). ابن انباری در کتاب *اضداد* درباره واژگان اضداد چنین می‌نویسد: «اضداد» به واژه‌ای اطلاق می‌شود که بر دو معنای متضاد دلالت دارد. البته زمانی این مسئله جایز است که مخاطب از ساختار جمله معنای مورد نظر را دریابد (ابن انباری، بی تا: ۴).

گارسس برای بازگردانی واژگان چندمعنا و اضداد متکی بر دیگر راهبردها در انواع سطوح هاست. از جمله:

راهبردهای صفارزاده و مجنوبی در «ابهام زدایی» واژگانی قرآن کریم ... _____ مرضیه رحیمی آذین و همکاران

۱. تعریف: بیان معنی واژه به صورت عبارت اسمی یا شبه‌جمله صفتی (مختاری اردکانی، ۱۳۷۶: ۵۰).
۲. بسط نحوی افزودن یک یا چند کلمه به ترجمه بر حسب ضرورت (همان: ۵۱).
۳. بسط معنایی «قسمتی از متن که باید تصریح شود، توضیح یا بسط معنایی می‌یابد. بخصوص در ترجمه لغاتی که خاص یک فرهنگ هستند راهبردی متداول به حساب می‌آید» (نیومارک، ۱۳۷۲: ۱۱۵).
۴. تصریح یا آشکارسازی «به باور وینه و داربلنت شفاف‌سازی روندی است که در آن اطلاعات ضمنی متن مبدأ، با استفاده از اطلاعات بافتی یا موقعیت در متن مبدأ به روشنی بیان شود» (زندرحیمی، ۱۳۹۷: ۱۲۶).
۵. توضیح.
۶. پاورقی.

۳-۱-۱- واژگان چندمعنا

چندمعنایی واژگانی می‌تواند شامل واژگان «همزمان و درزمان» باشد. علاوه بر تطور معنایی و هنجارگریزی واژگان، دلایل دیگری هم باعث چندمعنایی واژگان می‌شود: یک واژه در علوم مختلف دارای مدلول‌های خاصی باشد؛ واژه‌های شبیه به هم از ریشه‌ها و اصول مختلف ساخته شده باشد؛ ساختار صرفی یک اسم دارای دلالت‌های معنایی متفاوت باشد. مقصود از چندمعنایی در پژوهش حاضر، واژگانی است که در یک بافت و یا ریشه یکسان، معانی متعدد داشته باشند و یا در گذر زمان و در بافت جدید فرهنگ قرآن در زمان ظهور اسلام معنایی نو گرفته باشند. به عبارت دیگر، چندمعنایی آن‌ها به علت مشتق شدن از ریشه متفاوت یا قرارگرفتن در بافت‌ها و سیاق مختلف نباشد. ۱۷ مورد واژگان چندمعنا در آیات منتخب وجود دارد: ۱. **الْهَوَىٰ** (نازعات/۴۰)، ۲. **عُلْبًا** (عبس/۳۰)، ۳. **سَجْرَتٍ** (تکویر/۶)، ۴. **انْكَدَرَتْ** (تکویر/۲)، ۵. **الْمُعْصِرَاتِ** (نبأ/۱۴)، ۶. **تَلَّهَىٰ** (عبس/۱۰)، ۷. **مَرْقُومٌ** (مطففین/۹ و ۲۰)، ۸. **مَخْتُومٌ** و **خِتَامٌ** (مطففین/۲۵ و ۲۶)، ۹. **فَكَّهَيْنَ** (مطففین/۳۱)، ۱۰. **الْحَافِرَةِ** (نازعات/۱۰)، ۱۱.

تَصَدَّى (عبس/۶)، ۱۲. مَرْفُوعَةٌ (عبس/۱۴)، ۱۳. تَزْهَقُ (عبس/۴۱)، ۱۴. يَشْهَدُ (مطففين/۲۱)، ۱۵. سَوَّى (نازعات/۲۸، انفطار/۷)، ۱۶. تَذْكِرَةٌ (عبس/۱۱)، ۱۷. يَزْكِي (عبس/۳ و ۷) ﴿وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ﴾ (تکویر/۶)

سجر التنور: تنور را گرم کرد، سجر النهر: رود را پر کرد (فیروزآبادی، ۱۹۹۸: ۴۰۴). چندین تفسیر درباره این واژه گفته شده است از جمله:

۱. تمام آب‌های دریا از شور و شیرین درهم آمیزد تا پر شود.
۲. تمامی آب‌های دریاها درهم آمیزد و همگی در یک دریا گرد آورده شود و یک دریا شود.

۳. دریاها آتش زده شوند پس آتش شعله‌ور شود (طبرسی، ۱۴۱۴: ج ۱۰: ۲۴۸).

- مجتبوی: و آنگاه که دریاها به جوش آیند- یا با اتصال به یکدیگر پر شوند-
- صفارزاده: و آن زمان که دریاها جوشان گردند؛

مترجمان با واژه «جوشان» سعی دارند به هر دو معنا اشاره داشته باشد و معنای دوم آن را داخل دو خط فاصل آورده است:

﴿وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ﴾ (تکویر/۲)

كَدَرَ: کِدر و تیره شد. انکدر: در باب انفعال دارای دو معناست: شتافت، از بین رفت (صحاح، ۲۰۰۹: ۹۸۹) منظور آیه می‌تواند تکه تکه شدن ستارگان باشد (لسان العرب، ۱۴۱۰، ج ۱۴: ۳۷۱). براین اساس این واژه دارای سه معناست: تیره شدن، افتادن سریع، از بین رفتن. علامه طباطبایی ضمن اشاره به دو معنای اول منظور آیه را از بین رفتن نور ستارگان یا خود ستارگان می‌داند (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۲۰: ۴۸۱).

- مجتبوی: و آنگاه که ستارگان تیره گردند و فرو ریزند.
- صفارزاده: و آن زمان که ستارگان بی‌نور شوند.

مجتبوی به هر دو معنا اشاره کرده است و صفارزاده به یکی از معانی اشاره دارد. اگر چه مجتبوی سعی دارد ترجمه کامل تری ارائه دهد اما، بنظر می‌رسد ترجمه دو معنای

راهبردهای صفارزاده و مجتبی‌وی در «ابهام زدایی» واژگانی قرآن کریم ... _____ مرضیه رحیمی آذین و همکاران

متفاوت از یک واژه بدون ایجاد فاصل و اشراب شده در متن، برای خواننده ایجاد ابهام کند. از دیگر سو، ترجمه صفارزاده براساس یکی از معانی است و ممکن بود معنای دوم تصویر بهتری را برای خواننده ایجاد کند. بنابراین بهتر می‌بود به هر دو معنا البته با ایجاد یک فاصل و یا در شرح آیه اشاره شود. در جدول ذیل نمونه‌هایی از واژگان چند معنا همراه با ترجمه و راهبردهای مترجمان و همچنین نوع تداخلی که با تکنیک‌های منفی دارند ارائه شده است:

جدول ۳-۱- ارائه راهبردهای ترجمه چند واژه چندمعنا و میزان تداخل آن‌ها با تکنیک‌های منفی

| واژه قرآنی | تفسیر/معنای لغوی | مترجم | ترجمه | راهبرد ترجمه | تداخل |
|-------------------------------|---|----------|---|---|-------------|
| ﴿مختوم﴾ ﴿مطففین / ۲۵ و ۲۶﴾ | خَتَمٌ خَتَمًا یا خِتَامًا: بر آن مهر زد یا به پایش رسید. خاتم: آنچه که | مجتبی‌وی | ﴿ سر به مهر﴾ ﴿ مهر آن﴾ | ﴿ تعریف یکی از معانی واژه﴾ | - |
| | با آن دهانه کوزه را می‌بندند یا پایان یک چیز (فیروزآبادی). | صفارزاده | ﴿ سر به مهر﴾ ﴿ مهری که بر سر سبوی نوشیدنی نهاده شده﴾ | ﴿ تعریف یکی از معانی واژه﴾ ﴿ بسط نحوی و بسط معنایی یک معنا ساده﴾ | - |
| الْهُوَىٰ (نازعات / ۴۰) | هوای نفس و یا سقوط به (درجات) پایین (صحاح) | مجتبی‌وی | آرزو و کام دل | تعریف یک معنا | - |
| | | صفارزاده | هووا و هوس | تعریف اصطلاحی یک معنا | - |
| عُلْبًا (عبس / ۳۰) | جمع غلباء: درختان بزرگ و عظیم الجثه یا زیاد (طباطبائی). | مجتبی‌وی | پردرخت | تعریف دو معنای واژه | - |
| | درختان عظیم الجثه و از گونه‌های متفاوت یا انبوه (طبرسی). | صفارزاده | انبوه از درختان تودرتو | تعریف یک معنای واژه | ﴿ بسط ساده﴾ |

۳-۱-۲- واژگان اضداد

ابن انباری دلایلی را که باعث می‌شود واژه‌ای دو معنای متضاد داشته باشد بیان کرده است:

۱. در معنای اصلی تضاد وجود دارد.
۲. از دو ریشه متفاوت ساخته شده‌اند (اشتقاق).
۳. حرف تعدی آن‌ها متفاوت است مانند «الدعا ل» یا «الدعا علی»
۴. یک ساختار دارای دو معنای متفاوت باشد مانند «فعلیل یا فعول» به معنای «فاعل یا مفعول» (ر.ک: ابن انباری، بی تا: ۱۲۰-۵).

واژگان اضداد در پژوهش حاضر شامل مورد اول می‌شوند که ۵ مورد یافت شد: ﴿۱﴾. یَوْجُونَ (نبا/۲۷). ۲. يَطْنُ (مطففین/۴). ۳. حَمِيمًا (نبا/۲۵). ۴. عَسَسَ (تکویر/۱۷). ۵. بَعْدَ ذَلِكَ (نازعات/۳۰) ﴿۲﴾

﴿وَاللَّيْلِ إِذَا عَسَسَ﴾ (تکویر/۱۷)

واژه «عسس» رباعی «عسس» بوده و به معنای چرخیدن در شب است. «عسس اللیل»: یعنی تاریکی شب روی آورد. اغلب مفسران معتقدند در این آیه «عسس» یعنی روی برگرداندن شب (صحاح، ۲۰۰۹: ۷۳۸) و کنایه از اول شب یا آخر آن است (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۲۰: ۴۸۴).

- مجتبوی: و سوگند به شب چون پشت کند و برود - یا در آید-
- صفارزاده: و سوگند به شب آنگاه که [از تاریکی اش کاسته شود و] رو به بازگشت دارد.

مجتبوی هر دو معنا را با ایجاد فاصله ارائه کرده است. اما، صفارزاده یکی از معنای را همراه تصریح معنای استعاری آن بیان کرده است. در جدول ذیل دیگر واژگان اضداد همراه با راهبرد ترجمه ارائه شده است. از آنجایی که هیچ یک از ترجمه‌های ارائه شده با تکنیک منفی تداخل ندارد، قسمت مربوط به تداخل منفی حذف شده است.

جدول ۳-۲- ارائه راهبردهای ترجمه در واژگان اضداد

| واژه قرآنی | تفسیر/معنای لغوی | مترجم | ترجمه | راهبرد ترجمه |
|---|--|----------|--|--|
| حَمِيمًا (نبا/۲۵) | حمیم هم برای گرما به کار می‌رود و هم برای سرما، مشهورتر گرماست (ابن انباری). در این آیه: آب گرم بسیار داغ (طباطبائی). | مجتبوی | آب جوشان | تعریف یک معنا |
| | | صفارزاده | آب جوش | تعریف یک معنا |
| وَالْأَرْضُ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا (نازعات/۳۰) | بعد: معنای مشهورش تأخیر کردن و گاهی به معنای قبل است، مانند همین آیه (ابن انباری). براساس تفاسیر دیگر به معنای بعد است (طباطبائی). | مجتبوی | پس از آن | ترجمه یک معنا |
| | | صفارزاده | سپس | ترجمه یک معنا |
| * كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا (نبا/۲۷) * أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ (مطففین/۴) | رجی، ظن: شک یا یقین (ابن انباری). | مجتبوی | *امید -باور- نمی‌داشتند *گمان نمی‌برند | ترجمه دو معنا با فاصل ترجمه یک معنا |
| | | صفارزاده | *باور نداشتند * نمی‌پندارند | ترجمه یک معنا |

بافت یکی از اصلی‌ترین ابزارهای تشخیص معنا در چندمعنایی و واژگان اضداد است. در کمتر آياتی واژه‌ای به چشم می‌خورد که به هر دو معنا و به‌ویژه معانی اضداد در یک بافت دلالت داشته باشد. بنابراین، مترجمان یکی از معانی را براساس همنشینی انتخاب می‌کنند. مجتبوی به علت وفاداری به متن اصلی، هر دو معنای واژه را در ترجمه خود بیان کرده و غالباً معنای دوم یا معنی دور را جدای از متن اصلی بیان می‌کند. اگرچه بیان دقیق

معانی و پای‌بندی به متن اصلی به‌ویژه بعد از ایجاد فاصله بین دو معنا، از اهداف ترجمه است اما اراده دو معنا از یک واژه بدون توضیح، باعث پیچیدگی متن می‌شود که در برخی موارد مجتبوی آن را رعایت نکرده است. براین اساس، به نظر می‌رسد انتخاب یکی از معانی براساس سیاق و بافت متن بهترین راهبرد باشد.

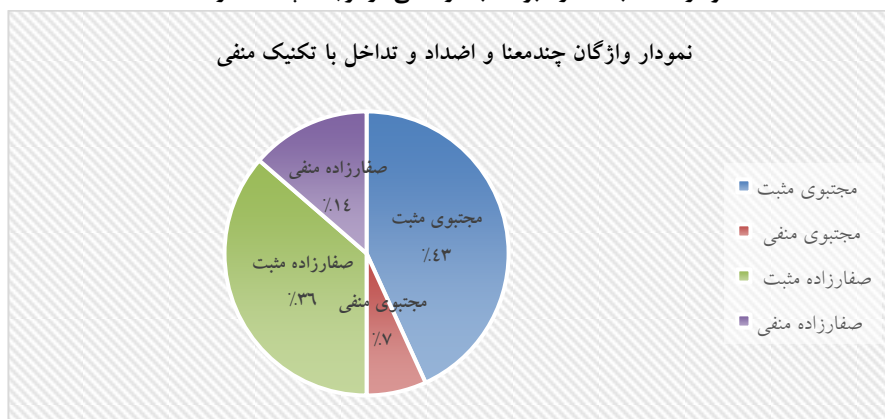
همانگونه که صفارزاده در بیشتر موارد به یکی از معانی تکیه دارد. البته افراط در افزوده‌های خلاقانه در جهت تعادل‌بخشی بین معانی، در ترجمه وی متن را بیشتر از ترجمه مجتبوی دچار پیچیدگی کرده است.

در جدول ذیل بسامد کل واژگان چندمعنا و اضداد و میزان ترجمه هر دو معنا و سپس بیشترین راهبردهایی که مترجمان برای بازگردانی آن‌ها در شش سوره مورد بررسی استفاده کرده‌اند همراه با میزان تداخلی که با تکنیک‌های منفی دارند بیان شده است. سپس براساس همین بسامد راهبردهای منفی و مثبت آن‌ها در نمودار نشان داده شده است.

جدول ۳-۳- بسامد راهبردها ترجمه واژگان چندمعنا و اضداد و میزان تداخل آن‌ها با تکنیک‌های منفی

| بسامد واژگان | مترجم | بسامد ترجمه دو معنا | بالاترین بسامد راهبردها ترجمه دو معنا | تداخل منفی |
|--------------|----------|--|---------------------------------------|------------|
| ۲۲ واژه | صفارزاده | یک واژه | توضیح داخل کروش | ۶ مورد |
| مجتبوی | ۷ واژه | ۲ واژه اشراب شده در متن و ۵ واژه داخل دو خط فاصل | ۳ مورد | |

نمودار ۳-۱- بسامد راهبرد مثبت و منفی در ترجمه چندمعنا و اضداد



۳-۲- واژگان فرهنگی

گارسس در ترجمه عناصر فرهنگی بر نظریه نیومارک تکیه دارد. براساس این دیدگاه فرهنگ «راه و روش زندگی و مظاهر آن است که خاص گروهی با زبان مشترک است» و عناصر آن شامل این موارد است:

«۱. بوم‌شناسی، ۲. فرهنگ مادی (مصنوعات)، ۳. فرهنگ اجتماعی-کار و فراغت، ۴. نهادها، آداب و رسوم، فعالیت‌ها و جریان‌ها: سیاسی و اداری، دینی، هنری، ۵. ژست‌ها، اشارات و حرکات حین سخن گفتن» (نیومارک، ۱۳۷۲: ۱۳۴).

راه‌کارهای وی برای بازگردانی آن‌ها بدین شرح است:

- انتقال یا وام‌گیری (آوردن کلمه ای از زبان مبدأ به زبان مقصد) ۲. بومی کردن^۳ (آوردن واژه از مبدأ به مقصد بعد از تغییر در تلفظ و شکل واژه) ۳. معادل فرهنگی ۴. خنثی کردن (آوردن معادل توصیفی یا کارکردی) ۵. ترجمه تحت‌اللفظی ۶. ترجمه موقت (ترجمه موقت واژه داخل گیومه برای تغییر آن در فرصت‌های دیگر) ۷. تحلیل محتوا (تفکیک یک واحد واژگانی به اجزاء معنایی آن) ۸. حذف ۹. ترجمه تلفیقی (ترکیب چند روش) ۱۰. ترجمه جافتاده و رایج ۱۱. یادداشت، شرح، توضیح (داخل متن یا پاورقی) ۱۲. مشخص‌گرها (همان: ۱۳۴ و ۱۲۰-۱۰۳).

در جزء سی‌ام قرآن کریم که غالباً بر پایه تصویرسازی است به طور کلی سه نوع عنصر فرهنگی به کار رفته است: ۱. فرهنگ عربی ۲. تلمیحات تاریخی (تاریخ دینی و عربی) ۳. فرهنگ قرآنی و دینی.

۳-۲-۱- فرهنگ عربی

در این بخش واژگان مربوط به فرهنگ عرب که در قرآن کریم وارد شده است شامل دو جزء است: فرهنگ مادی و بنا اجتماعی و آداب و رسوم و بوم‌شناسی بررسی خواهد شد. به طور کلی ۴۶ مورد واژه مربوط به فرهنگ عربی در آیات منتخب بوده که در جدول ذیل بدان‌ها اشاره شده است.

جدول ۳-۴- واژگان فرهنگ عربی

| ردیف | فرهنگ مادی (۱۲ مورد) | | فرهنگ اجتماعی و آداب و رسوم (۲۰ مورد) | | | بوم‌شناسی (۱۴ مورد) |
|------|----------------------|-----------|---------------------------------------|-------------|--------------|---------------------|
| ۱ | مِهَادًا | أوتاداً | كَأْسًا | رَّحِيقٍ | صَاحِبَةٍ | الْمُعْصِرَاتِ |
| | | | دِهَانًا | | | الْكَوَاكِبِ |
| ۲ | لِبَاسًا | سِرَاجًا | سِرَابًا | خِتَانَهُ | الْحُنَّسِ | جَنَاتِ |
| | | | | مُحْتَمٍ | | خَدَائِقِ |
| ۳ | الْأَرَائِكِ | | يَسْتَوْفُونَ | يُحْسِرُونَ | أَسَاطِيرُ | الْعِشَارِ |
| | | | | | | فَاكِهَةٍ |
| ۴ | شِرَابًا | عَسَاقًا | كَالْوَهْمِ | اِكْتَالُوا | وَزُنُوهُمْ | زَيْتُونًا |
| | | | | | | نَحْلًا |
| ۵ | حَمِيمًا | سَمَكًا | كَوَاعِبَ | مُوسَاهَا | الْمُؤُودَةَ | أَعْنَابًا |
| | | | | | | قَضَبًا |
| ۶ | صُحُفِ | الْعَرْشِ | نُطْفَةٍ | الْوُحُوشِ | كُثِطَتِ | أَبَا |
| | | | | | | مَرَعًا |
| ۷ | سَابِحَاتِ | | الْمُطَفِّفِينَ | مَرَاجِ | | الْحُنَّسِ |
| | | | | | | الْكُنَّسِ |

راهبردهای صفارزاده و مجتبوی در «ابهام زدایی» واژگانی قرآن کریم ... _____ مرضیه رحیمی آذین و همکاران

۳-۲-۱- فرهنگ مادی (مصنوعات)

براساس نظریه نیومارک عناصر فرهنگ مادی شامل «مواد غذایی، پوشاک، مسکن و شهرها، وسایل نقلیه» می‌شود (همان: ۱۲۲). چند نمونه از این موارد براساس دیدگاه مورد نظر بررسی شده است:

﴿عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ﴾ (مطففین/۳۵)

«الأرائك» جمع آریکه: حجة آراسته شده برای عروس (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۲۰: ۵۰۲).

- مجتبوی: در حالی که بر تخت‌ها [ی آراسته تکیه زده‌اند] می‌نگرند- به دوزخیان که به انواع عذاب گرفتارند-
- صفارزاده: بر نیمکت‌هایی پایه بلند، تکیه زده و به جمال نعمت‌های الهی خیره می‌نگرند.

هر دو مترجم با استفاده از معادل توصیفی به ترجمه واژه فرهنگی پرداخته‌اند. اما ترجمه مجتبوی به معنای لغوی آن‌ها نزدیک‌تر است.

در جدول ذیل راهبردهای مترجمان در ترجمه مواردی از واژگان فرهنگی مادی و تداخلی که با تکنیک‌های منفی دارند بررسی شده است:

جدول ۳-۵- نمونه‌هایی از ترجمه واژگان فرهنگی ۱ و تداخل آن‌ها با تکنیک منفی

| واژه قرآنی | تفسیر/معنای لغوی | مترجم | ترجمه | راهبرد ترجمه | تداخل |
|--|---|----------------------|----------------------------------|--------------------------------|--|
| مِهَادًا أَوْ تِلْكَ (نبا/۶ و ۷) | مهاده: بستر و فراش، مِهَادَ الشَّيْءِ: گسترده، پهن کردن (لسان العرب). و تـ: یک نوع میخ است بزرگتر و محکمتر | مجتبوی | * بسترو قرارگاه * میخ‌هایی | * معادل توصیفی * تحت‌اللفظی | * بسط ساده * نارسایی در معادل |
| از میخ معمولی (طبرسی). | صفارزاده | * مکانی وسیع برای | * معادل توصیفی | * بسط ساده | |

| | | | | | |
|---|-------------------------|--|----------|---|----------------------|
| * -* | * معادل فرهنگی / شرح | زندگی و آسایش شما * میخ‌های محکمی برای حفظ شما و زمین از لرزش | | | |
| * نارسایی در معادل | تحت‌اللفظی / شرح | شناکندگان - فرشتگانی که آمد و شد می‌کنند، یا شــناوران آسمانی مانند ستارگان و ماه و خورشید- | مجتبوی | سبج: در حرکت شتاب کرد. به اسب سایح گویند وقتی که سریع بدود. منظور فرشتگانی است سریع ارواح را قبض می‌کنند (طباطبائی). | سابحات (نازعات/۳) |
| * نارسایی در معادل/ بسط ساده | توضیح | فرشتگانی که در انجام اوامر الهی با سرعتی بادآسا پرواز می‌کنند. | صفارزاده | | |

۳-۲-۱-۲- فرهنگ اجتماعی، آداب و رسوم، بوم‌شناسی

نیومارک بوم‌شناسی را مربوط به مؤلفه‌های جغرافیایی می‌داند مانند گیاهان یک سرزمین، دشت‌ها، کوه‌ها و ... (نیومارک، ۱۳۷۲: ۱۲۲). از جمله می‌توان به آیه زیر اشاره کرد:

﴿وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا﴾ (نبا/ ۱۴)

معصرات: بادهایی که ابرها را می‌فشارند. و یا ابرهایی که باران تولید می‌کنند (طبرسی، ۱۴۱۴، ج ۹: ۲۱۵ و طوسی، ۱۴۰۹: ۲۴۱).

راهبردهای صفارزاده و مجتبوی در «ابهام زدایی» واژگانی قرآن کریم ... _____ مرضیه رحیمی آذین و همکاران

معصرات: ابرهای بارنده یا بادهایی که ابرها را می فشارند تا بیارد (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۲۰: ۴۴۰).

- مجتبوی: و از ابرهای باردار آبی سخت روان و ریزان فرو فرستادیم.
- صفارزاده: و از ابرهای فشرده، باران فراوان برای مصرف شما انسان‌ها فراهم کردیم.

مترجمان در ترجمه واژه «معصرات» از معادل توصیفی استفاده کرده و با اضافه کردن صفت سعی در نزدیک کردن معنای آن دارند. به نظر می‌رسد «ابرهای فشرده» صفارزاده به تفاسیر موجود نزدیک‌تر هستند.

جدول ۳-۶- نمونه‌هایی از ترجمه واژگان فرهنگی ۲ و تداخل آن‌ها با راهبردهای منفی

| واژه قرآنی | تفسیر/ نوع عنصر | مترجم | ترجمه | راهبرد | تداخل |
|--|---|----------|--|---|--------------------------------------|
| الْعِشَارُ (تکویر/ ۴) | شتر ماده‌ای که ده ماه حملش به پایان آمده و با ارزش‌ترین شتر در | مجتبوی | شتران آبستن | معادل توصیفی | حذف معنی فرهنگی |
| | میان عرب‌ها (لسان العرب). / بوم‌شناسی | صفارزاده | شترهای باردار (توضیح در پاورقی) | معادل توصیفی / پاورقی | - |
| *اَكْتَالُوا *كَالُوهُمْ، وَزَنُّوهُمْ (مطففین/ ۲ و ۳) | اكتالوا: باب افتعال: گرفتند و اخذ کردند؛ كالوهم: كالوا لهم، برای آن‌ها وزن کردند و کشیدند | مجتبوی | * پیمانه ستانند * بیمایند یا بسنجند با ترازو وزن کنند - | * معادل توصیفی * معادل / تصریح | - * نارسایی در معادل |
| | (صحاح). و زَنُّوهُمْ: همان کیل است. مکیال واحد و وزن اهل مدینه است و "میزان" واحد وزن اهل | صفارزاده | * وقتی چیزی برای خود خریداری می- کنند، متاع را با | * توضیح | بسط ساده / نارسایی در معادل |

| | | | | | |
|---|-----------------|--|----------|--|--------------------------|
| | | دقت وزن می - کنند. * وزن کنند و پیمانہ دهند. | | مکه (لسان العرب). / تجارت و اقتصاد | |
| - | * معادل | ستارگان بازگردنده | مجتبوی | أخْنَسَه: آن هنگام که او را پشت سر گذاشت، خُنْس: همه ستارگان، چرا که در تاریکی فرومی - روند یا در روشنایی روز پنهان می شوند. ستارگان پنج گانه زحل، مشتری، مریخ، زهره و عطارد (صحاح). | الْخُنْسِ (تکویر/ ۱۵) |
| | معادل توصیفی | ستارگانی که [هنگام روز] بازگشت می کنند و دور می شوند. | صفارزاده | | (|
| | بسط ساده | توضیح | | | |

۳-۲-۲- عناصر و تلمیحات تاریخی

اشاره‌های تاریخی و یا تاریخی - دینی در آیات منتخب در موارد ذیل محدود می‌شود: ﴿۱﴾. حدیث موسی و آیه الکبری، ۲. الْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى، ۳. فُزِعُونَ، ۴. الْأَرْضُ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا، ۵. عَبَسَ وَ تَوَلَّى ﴿﴾

﴿ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى ﴾ * إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى ﴿﴾ (نازعات/ ۱۵ و ۱۶)

در این آیات به داستان حضرت موسی (ع) اشاره دارد؛ اینکه قومش او را تکذیب کردند و سختی‌های فراوانی کشید. بنابراین منظور از «حدیث» داستان است؛ «مقدس» یعنی پاک، «طوی»، اسم یک سرزمین است و یا به معنای سرزمینی است که در پاکی پیچیده شده است و آن جایی است که حضرت موسی (ع) با خدا سخن گفت (طبرسی، ۱۴۱۴، ج ۱۰: ۲۳۰).

- مجتبوی: آیا داستان موسی به تو رسیده است - تا تو را دل‌داری باشد بر تکذیب قوم - * آنگاه که پروردگارش او را در وادی مقدس طوی بخواند.

راهبردهای صفارزاده و مجتبیوی در «ابهام زدایی» واژگانی قرآن کریم ... _____ مرضیه رحیمی آذین و همکاران

- صفارزاده: [ای پیامبر] آیا داستان موسی را شنیده‌ای! * آنگاه که آفریدگار پروردگارش او را در سرزمین مقدس طوی ندا داد.

در عبارت اول «حَدِيثُ مُوسَى» نیازی به توضیح نیست؛ چرا که داستان حضرت موسی (ع) بارها در قرآن تکرار شده و در فرهنگ مقصد آشنایی وجود دارد. اما در عبارت دوم «بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طَوًى»، مجتبیوی از راهبرد انتقال استفاده کرده است و به مفهوم آن هیچ اشاره‌ای ندارد. همین‌طور است ترجمه صفارزاده، با این تفاوت که «وادی» را معادل‌یابی کرده است. اگرچه «وادی مقدس طوی» در زبان فارسی نامأنوس نیست اما، به نظر می‌رسد اُنس این واژه در حدی نیست که فقط بتوان به شیوه انتقال آن بسنده کرد. بهتر بود اشاره‌ای به صورت شرح یا پاورقی بدان افزوده شود.

۳-۲-۳- عناصر دینی

از آنجایی که زبان و فرهنگ فارسی بسیار تحت تأثیر زبان عربی به‌ویژه عناصر دینی و قرآن کریم بوده و هست، واژگان فراوانی از عناصر دینی در هر دو فرهنگ یک معنا دارند و برخی عناصر فرهنگی با همان واژه به کار می‌رود. به همین دلیل مترجمان آن را ترجمه نکرده و از شیوه انتقال استفاده کرده‌اند مانند «الصُّورِ، العرشِ، النَّفْسِ، الغیبِ، شَيْطَانِ، عَذَابًا». اما بسیاری دیگر نیاز به ترجمه و چه بسا توضیح دارد و یا حداقل براساس زبان مبدأ ترجمه می‌شود مانند «سَبْعًا، الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ، مَقَامَ رَبِّهِ». جدول زیر شامل مواردی است که در آیات منتخب مدنظر قرار داده شد.

جدول ۳-۷- واژگان فرهنگ قرآنی و دینی

| ردیف | عناصر فرهنگی - دینی (۲۴ مورد) | | | | |
|------|-------------------------------|----------------|-----------------|-------------------------|------------------------|
| ۱ | الصُّورِ | حِسَاب | عَذَابًا | الْأَفْقِ الْمُبِينِ | سَبْعًا شَدَادًا |
| ۲ | العرش | الرُّوحُ | الْمُتَّقِينَ | كِرَامًا كَاتِبِينَ | نُشْرَتٍ / خُشْرَتٍ |
| ۳ | النَّفْسِ | الْمَلَائِكَةُ | مَقَامَ رَبِّهِ | سَجِّينَ / عَلِيِّنَ | أَمْرًا / الْأَمْرِ |
| ۴ | الزُّوجِ | الْغَيْبِ | تَنْثِيمِ | شَيْطَانِ رَجِيمِ | الْأَفْقِ الْمُبِينِ |
| | | | | | الْآخِرَةِ وَالْأُولَى |

صفا رزاده در واژگانی که در زبان مقصد نیاز به توضیح و تصریح دارد، سعی می‌کند علاوه بر توضیحات حاشیه‌ای، در متن ترجمه این ابهام را از بین ببرد، گاهی دچار افزوده‌های منفی چون بسط خلاقانه یا بسط ساده شده است. اما مجتبیوی با پایبندی به متن مبدأ کمتر دچار افزوده‌ها شده و به همین دلیل در مواردی خود واژه مبهم باقی مانده است.

جدول ۳-۸- نمونه‌هایی از ترجمه واژگان فرهنگی ۴ و تداخل آن‌ها با راهبردهای منفی

| واژه قرآنی | تفسیر/معنای لغوی | مترجم | ترجمه | راهبرد | تداخل |
|---|--|-----------|----------------------------------|---------------|------------------|
| الرُّوحُ (نبا/۳۸ و قدر ۴) | روح: موجودی تحت امر الهی غیر از فرشتگان، جبرئیل، مبدأ حیات و ایجاد، اشرف فرشتگان، موکل ارواح (طباطبائی). | مجتبیوی | روح- جبرئیل یا فرشته همراه وحی - | انتقال/ تصریح | - |
| | | صفا رزاده | روح بزرگ | انتقال | نارسایی در معادل |
| سَجِّينَ (مطففین/۷) عَلِيِّنَ (مطففین/۱۸) | * محلی که نامه اعمال فاسقان در آن قرار دارد (صحاح). یا دیوان شعری است که نامه اعمال کافران | مجتبیوی | سَجِّينَ / عَلِيِّنَ | انتقال | نارسایی در معادل |
| | | صفا رزاده | سَجِّينَ / | انتقال/ | - |

| | | | | | |
|------------------------|----------------|--|----------|--|--------------------------------------|
| | توضیح | علیّین (توضیح در پاورقی) | | در آن ثبت است. * دیوان خیری که نامه اعمال پاکان ر آن ثبت است و بدین نام است چون باعث رسیدن به بالاترین مقام بهشتی می- شود (کشاف). | |
| نارسایی در معادل | تحت- اللفظی | بزرگوارانی نویسنده | مجتبی‌وی | در توصیف دو فرشته است که در نزد پروردگارشان دارای عزت و جلالت هستند و همه اعمال بنی بشر را می- نویسند (طبرسی). | کِرَامًا کَاتِبِیْنَ (انفطار/ ۱۱) |
| بسط ساده | توضیح | اینکه فرشتگان، مأموران الهی محترمی هستند که اعمال شما را یادداشت و ثبت می- کنند. | صفارزاده | | |

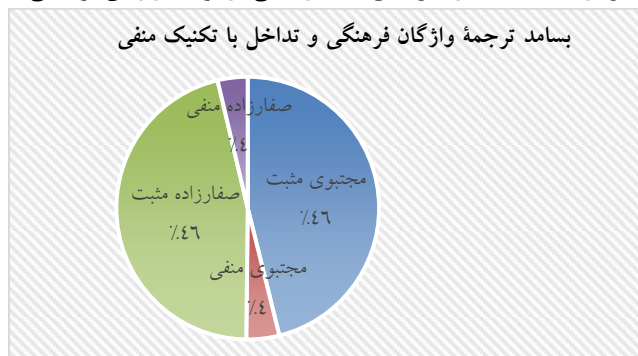
در جدول ذیل بسامد کل واژگان فرهنگی و میزان راهبردهایی که مترجمان برای بازگردانی آنها در شش سوره مورد بررسی استفاده کرده‌اند همراه با میزان تداخلی که با تکنیک‌های منفی دارند به صورت تفکیک شده، ارائه شده و سپس براساس همین بسامد راهبردهای منفی و مثبت آنها در نمودار نشان داده شده است.

جدول ۳-۹- بسامد راهبردهای ابهام‌زدایی فرهنگی و میزان تداخل آن‌ها با راهبردهای منفی

| مترجم | صفا‌زاده | مجتبوی |
|-------------------------------------|-------------------|--------|
| بسامد و راهبردهای ترجمه‌واژه فرهنگی | معادل توصیفی | ۱۶ |
| | معادل فرهنگی | ۱۷ |
| | تحت‌اللفظی | ۱۸ |
| | شرح | ۴ |
| | انتقال | ۶ |
| | پاورقی | ۳ |
| | موقت | ۲ |
| | شرح+ توصیف | ۲ |
| | شرح+ تحت‌اللفظی | ۱۱ |
| | جمع واژگان | ۷۵ |
| | بسامد راهبرد منفی | ۶ |

در ترجمه این واژگان مجتبوی به ترجمه تحت‌اللفظی پای‌بندتر است و غالباً بعد از ترجمه تحت‌اللفظی در داخل دو خط یا کروش به تصریح و توضیح می‌پردازد. همچنین سعی دارد در مواردی که ممکن است معادل فرهنگی و یا توصیفی را برای برون‌رفت از ابهام و زیاده‌گویی و وفاداری به متن مبدأ جایگزین کند. چه بسا به همین علت گاهی دچار تکنیک منفی به‌ویژه «ابهام در متن» می‌شود. اما صفا‌زاده بر آن است که درصد بالایی از ابهام‌ها را شفافیت بخشد؛ با معادل توصیفی یا معادل فرهنگی و در مواردی از پاورقی و شرح و حاشیه استفاده کرده است. به همین دلیل بیشتر دچار تکنیک‌های منفی پرگویی و بسط خلاقانه شده است. از این رو، هر دو در بازگردانی عناصر فرهنگی به یکسان دارای کفایت مثبت و منفی هستند.

نمودار ۳-۲- بسامد راهبردهای مثبت و منفی در ترجمه واژگان فرهنگی



۳-۳- واژگان مجازی

براساس دیدگاه نیومارک به عنوان پایه اصلی الگوی گارسس، مجاز نوعی از استعاره است، چرا که وی در تعریف استعاره چنین می‌گوید: منظور من از استعاره، هر نوع بیانی است نمادین و کنایه‌ای باشد (نیومارک، ۱۳۷۲: ۱۳۵). و براساس این تعریف تمامی بخش‌های مجازی از جمله کنایه، استعاره (به معنای قدیم خود)، مجاز مرسل و عقلی را جزئی از آن می‌داند (ر.ک: همان: ۱۳۵-۱۳۷) و هفت شیوه برای ترجمه استعاره ارائه داده است. اما، به طور کلی مترجمان در ترجمه مجازها بر سه اصل: ترجمه معنایی (معنای لغوی و مجازی)، ارتباطی (مقصود مجاز)، معنایی-ارتباطی (مفهوم مجاز و ترجمه لغوی) پایبند هستند. این راهبردها در ترجمه کنایه، مجازهای مرسل و عقلی بررسی می‌شود. شیوه‌های نیومارک برای ترجمه استعاره به معنای خاص که مورد تأیید گارسس بوده ذیل استعاره توضیح داده خواهد شد. به طور کلی ۷۷ مورد کنایه با انواع مختلف خود (موصوف، صفت، نسبت)، ۱۶ مورد استعاره، ۲۶ مورد مجاز در آیات منتخب وجود دارد:

جدول ۳-۱۰- بسامد واژگان مجازی

| استعاره | کنایه | مجاز |
|-----------|--------------------|-----------------------|
| ۱ مخجوب | الطَّافَةُ | یَوْمَ الْفَضْلِ |
| ۲ انفطرت | الْيَوْمَ الْحَقُّ | النَّبِيُّ الْعَظِيمُ |
| ۳ انتترت | یَوْمَ عَظِيمٍ | زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ |
| ۴ زان علی | مَا أَحْضَرْتُ | الآيَةُ الْكُبْرَى |
| ۵ عشعس | مَا أَحْرَثَ | مَا قَدَّمْتُ |
| ۶ کثیظت | لِخُرُوجِ | الْأَفْقِ الْمُبِينِ |
| ۷ انکذرت | لَا يَمْلِكُونَ | عِنْدَهُ مَكِينٌ |
| ۸ مومشاه | ذِي الْعَرْشِ | رَسُولِ كَرِيمٍ |
| ۹ تنفس | مَا هُمْ | بِعَايِنِينَ |
| ۱۰ کورت | عَلَى | الْأُرَائِكِ |
| ۱۱ سغک | أَذْبَرَ يَسْعَى | عَلَيْهَا غَبْرَةٌ |
| ۱۲ سراجا | فَكَهِنٍ | نَكَالٌ |
| ۱۳ أعطش | السَّبِيلِ | مَا سَعَى |
| ۱۴ لیاشا | خَانِئَةً | الْمَأْوَى |
| ۱۵ مهاد | سَفَرَةٍ | بَيْنَنَا |
| ۱۶ اوتاد | مُطَهَّرَةٍ | الْكُنْسِ |

۳-۱-۳- کنایه

در سوره‌های بررسی شده کنایه شکل‌های گوناگونی دارد و بیشترین تکرار مربوط به اسامی قیامت و جهنم است.

﴿فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَّةُ الْكُبْرَى﴾ (نازعات/۳۴) ﴿فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاخَّةُ﴾ (عبس/۳۳)

«الطَّامَّةُ» همان قیامت است که از هر مصیبت و وحشتی بالاتر است. «طم» یعنی بالاتر رفت و چیره شد. برخی می‌گویند آن نفخ دوم است (طبرسی، ۱۴۱۴، ج ۱۰: ۲۳۴). «الصَّاخَّةُ»

راهبردهای صفارزاده و مجتبوی در «ابهام زدایی» و ازگانی قرآن کریم ... _____ مرضیه رحیمی آذین و همکاران

منظور فریاد قیامت است. به این اسم نامیده چون از صدای بسیار بلندی که دارد نزدیک است که گوش‌ها را ناشنوا کند (همان: ۲۴۳).

- مجتبوی: پس چون آن بلای سخت بزرگ - روز رستاخیز- بیاید. * پس چون آن بانگ هول‌انگیز [رستاخیز] بیاید.
- صفارزاده: هنگامی که واقعه سهمگین قیامت واقع شود. * همان روز که صدای مهیب شیپور برای بار دوم به گوش خلق جهان می‌رسد.

مجتبوی با استفاده از راهبرد «معنایی-ارتباطی» معنای لغوی و سپس مکنی‌عنه را تصریح کرده است. صفارزاده سعی دارد با استفاده از همان شیوه، معنای ظاهری و باطنی را به ویژه در آیه اول بیان کند اما از متن اصلی دور شده و باعث پیچیدگی شده است. راهبرد مجتبوی برای ترجمه کنایه‌ها بهتر است، هر چند وی گاهی در شفاف‌سازی ابهام‌ها دچار کاستی شده است.

جدول ۳-۱۱- نمونه‌هایی از ترجمه کنایه و تداخل آن‌ها با راهبردهای منفی

| واژه قرآنی | تفسیر/ معنای لغوی | مترجم | ترجمه | راهبرد / تداخل ترجمه |
|--|--|--------------------|---|--|
| إِلَى رَبِّكَ مُنْتَهَاهَا (نازعات/ ۴۴) | سرانجام دانشش به سوی پروردگار توست یعنی فقط خداوند می‌داند چه وقت قیامت برپا می‌شود (طوسی). | مجتبوی صفارزاده | [دانش] پایانه و سرانجام آن علم روزگار سرانجام (رستاخیز و عاقبت انسان) | - معنایی- ارتباطی / توضیح |
| *رَسُولٍ كَرِيمٍ *ذِي الْعَرْشِ | «رَسُول» کنایه از «جبرئیل»، «ذی العرش» کنایه از باری تعالی و «صاحب» کنایه از | مجتبوی | * فرستاده‌ای بزرگوار - جبرئیل - * خداوند عرش * یار شما - | - * معنایی- ارتباطی * معنایی- ارتباطی |

| | | | | | |
|--------------|---|---|----------|---|-----------------------------------|
| | | پیامبر - | | پیامبر اکرم (ص) است (کشاف). | *صَاحِبُكُمْ (تکویر/ ۱۹) |
| بسط خلاقه | * معنایی - معنایی - ارتباطی - معنایی - | * فرش‌تهای بزرگوار و مقرب * خداوند صاحب عرش * سرپرست شما | صفارزاده | | ۲۰ (۲۲) |
| | - معنایی - ارتباطی | به یکدیگر چشمک می‌زدند - با چشم و ابرو به طعنه و مسخره اشاره می‌کردند - | مجتبوی | یتغامزون: یعنی با چشم یه هم اشاره می‌کنند (کشاف). کنایه از صفت «تمسخر و استهزاء کردن». | يَتَغَامِزُونَ (مطففین/ ۳۰) |
| | - معنایی - ارتباطی | با چشم و ابرو به هم اشاره می - کردند و آنان را مورد استهزاء قرار می‌دادند | صفارزاده | | |

۳-۲- مجاز (مرسل و عقلی)

صفارزاده برای ترجمه مجازها به توضیح روی آورده است. مجتبوی با ترجمه ارتباطی و یا معنایی و حداکثر با توضیحات با فاصله از متن اصلی ابهام را از بین برده است:

جدول ۳-۱۲- نمونه‌هایی از ترجمه مجازها و تداخل آن‌ها با راهبردهای منفی

| واژه قرآنی | تفسیر/معنای لغوی | مترجم | ترجمه | راهبرد | تداخل |
|--|---|--------------------|-------------------------------------|-------------------|-----------------------|
| لِئْتْرِجَ بِهِ حَبًا وَبَيَاتًا (نبا/ ۱۵) | اسناد بیرون آوردن به دانه: مجاز مرسل با علاقه ما کان؛ منظور گیاهی که از دانه رشد می‌کند. | مجتبوی صفارزاده | دانه و گیاه غله و سبزی و میوه | معنایی ارتباطی | ابهام بسط خلاقه |

| | | | | | |
|-----------------|---------------------------------------|---|----------|--|--|
| - | معنایی - ارتباطی | * مایهٔ آسایش و راحتی * هنگام جستن مایه و اسباب زندگی - وقت کار و کوشش شما - | مجتبی‌وی | اسناد «سبات» و «معاش» به ترتیب به «نوم» و «نهار»: مجاز با علاقهٔ «سببه» و «زمان» | * نَوْمَكُمْ شَبَاتَا * النَّهَارَ مَعَاشَا (نبا/۹/۱۱) |
| - | معنایی - ارتباطی * بسط خلاقه | * مایهٔ استراحت و آرامش * زمان کسب و کار و کوشش برای فراهم نمودن وسایل زندگی و معیشت از نعمات خداوند | صفارزاده | | |
| - | معنایی | * نه چشند * بچشید | مجتبی‌وی | ذوقِ خنکی: مطلق دست-یابی (طباطبائی). اسناد | * لَا يَذُوقُونَ |
| اشتباه مترجم | معنایی | * فراهم نیست * بچشید | صفارزاده | چشیدن به خنکی و عذاب، یا چشیدن یکی از روش‌های درک کردن | * فِيهَا بَرْدًا * فَذُوقُوا فَلَنْ نَزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا (نبا/۲۴/۳۰ و) |

۳-۳-۳- استعاره

این مقوله بسامد کمتری را در تصویرسازی آیات نسبت به کنایه به خود اختصاص داده و ترجمه آن مشکل‌تر و دارای پستی بلندی‌های بیشتری است. در غالب موارد مترجمان به ترجمه مفهومی و یا تحت‌اللفظی به همراه توضیح و شرح تکیه دارند. این بخش از زبان به عنوان یکی از پردرسترترین بخش ترجمه متون به شمار می‌آید؛ چرا که، دارای بار فرهنگی و زیبایی‌شناختی است. نیومارک هفت شیوه برای ترجمه آن ارائه داده است:

۱. ترجمه تحت‌اللفظی و باقی ماندن در سطح لفظ (معنایی)؛
۲. جایگزینی با استعاره‌ای معادل (معادل‌یابی)؛
۳. جایگزینی تشبیه به جای استعاره؛
۴. ترجمه به تشبیه با افزوده‌های تفسیری؛
۵. برگردان استعاره به معنای آن (ترجمه مفهومی و ارتباطی)؛
۶. حذف استعاره (البته با جبران)؛
۷. ترجمه تحت‌اللفظی با توضیح مفهوم (معنایی-ارتباطی) (نیومارک، ۱۳۷۲: ۱۰۰-۸۷).

جدول ۴-۱۳- نمونه‌هایی از ترجمه استعارات و تداخل آن‌ها با راهبرد منفی

| واژه قرآنی | تفسیر/معنای استعاری | مترجم | ترجمه | راهبرد ترجمه | تداخل |
|--------------------------------------|--|---------|-------------------------------|-----------------------|-------------|
| الشَّمْسُ كُوْرَتْ (تکویر/۱) | در باب تفعیل یعنی جمع کرده عمامه و گرد کرد آن بر روی سر (لسان‌العرب). / از بین رفتن نور خورشید | مجتبوی | درهم پیچیده و بی‌نور | تحت‌اللفظی- مفهومی | - |
| السَّمَاءُ كُشِطَتْ (تکویر/۱۱) | «کُشِطَ شَتْر»: «کندن پوستش» (صحاح). آسمان از جایش برکنده می‌شود مانند کنده شدن پوست از حیوان قربانی (طبرسی). | صفازاده | درهم پیچیده و تاریک | تحت‌اللفظی- مفهومی | - |
| السَّمَاءُ كُشِطَتْ (تکویر/۱۱) | «کُشِطَ شَتْر»: «کندن پوستش» (صحاح). آسمان از جایش برکنده می‌شود مانند کنده شدن پوست از حیوان قربانی (طبرسی). | مجتبوی | آسمان برکنده و درنور دیده شود | مفهومی | بسط ساده |
| السَّمَاءُ كُشِطَتْ (تکویر/۱۱) | «کُشِطَ شَتْر»: «کندن پوستش» (صحاح). آسمان از جایش برکنده می‌شود مانند کنده شدن پوست از حیوان قربانی (طبرسی). | صفازاده | پرده از روی آسمان برگرفته شود | مفهومی | - |
| سِرَاجًا | «سراجا» استعاره از | مجتبوی | چراغی | تحت‌اللفظی- مفهومی | - |

راهبردهای صفارزاده و مجتبی در «ابهام زدایی» واژگانی قرآن کریم ... _____ مرضیه رحیمی آذین و همکاران

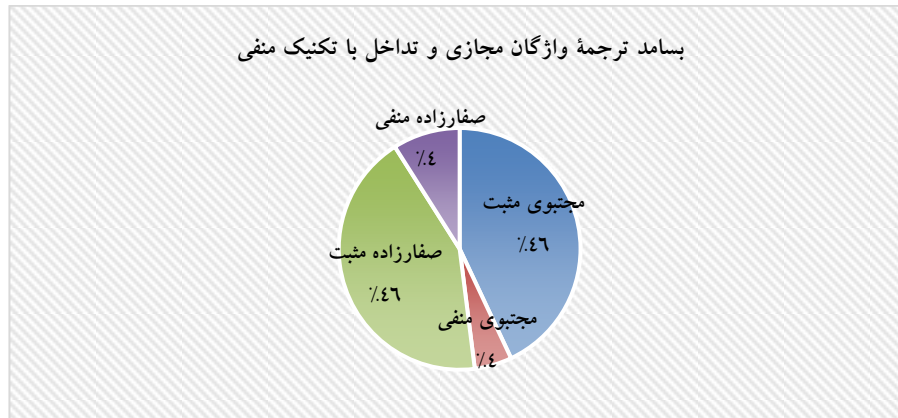
| | | | | |
|----------------------|----------|------------------------|------------------------|---|
| وَهَاجَا (نبا/۱۳) | خورشید | درخشان - خورشید - | مفهومی | |
| | صفارزاده | چراغ درخشنده خورشید | تحت اللفظی - مفهومی | - |

جدول ذیل براساس مواردی که از تمامی بخش‌های مجاز به دست آمده و راهبردهای معنایی-ارتباطی، ارتباطی و معنایی به عنوان راهبردهای کلی برای ترجمه‌های مجاز در شش سوره مورد بررسی ارائه شده است. به نظر می‌رسد از بین این سه راهبرد، شیوه اول بیش از دیگر راهبردها ویژگی‌های مربوط به الگوهای ادبی زبان مبدأ را حفظ کرده و درعین حال در زبان مقصد دارای مقبولیت است. براین اساس، مجتبی بیشتر از صفارزاده به راهبرد معنایی-ارتباطی برای شفاف‌سازی مجازها تکیه دارد، درحالی که کمتر از وی دچار تکنیک‌های منفی می‌شود.

جدول ۳-۱۴- بسامد راهبرد ابهام‌زدایی مجازها و میزان تداخل آن‌ها با راهبرد منفی

| مترجم | صفارزاده | مجتبی |
|--|----------------|----------------|
| بسامد و راهبردهای ترجمه واژه مجازی و تداخل با تکنیک‌های منفی | کنایه: ۷۷ مورد | معنایی-ارتباطی |
| | | ارتباطی |
| | | معنایی |
| | | تداخل منفی |
| ستعاره: ۱۶ مورد | معنایی-ارتباطی | ارتباطی |
| | | معنایی |
| | | تداخل منفی |
| | | معنایی-ارتباطی |
| مجاز: ۲۶ مورد | ارتباطی | معنایی |
| | | معنایی |
| | | تداخل منفی |
| | | تداخل منفی |

نمودار ۳-۳- بسامد راهبردهای مثبت و منفی در ترجمه واژگان مجازی



۴- نتیجه گیری

در نتیجه بررسی راهبردهای ترجمه صفازاده و محتبوی از ابهام واژگانی در شش سوره ابتدایی جزء سی ام قرآن کریم، نتایج زیر به دست آمد:

۱- در ترجمه واژگان چندمعنا و اضداد، اصلی ترین راهبرد توجه به بافت آیات برای انتخاب نزدیک ترین معنا است. هر دو مترجم در غالب موارد، یکی از معانی را براساس بافت و سیاق آیات براساس راهبرد تعریف ترجمه کرده اند. در ترجمه هر دو معنا راهبرد متفاوتی دارند؛ صفازاده راهبرد توضیح به صورت اشراب شده در متن و محتبوی به دلیل وفاداری به متن اصلی، غالباً راهبرد بسط معنایی و نحوی به صورت جدای از متن (داخل کروشه و دو خط فاصل) به کار برده اند. به طور کلی صفازاده در هر دو ترجمه (یک معنا یا دو معنا) در بیشتر موارد دچار پرگویی و افزوده های خلاقانه شده و بیش از محتبوی دارای مقبولیت و کفایت منفی است. [تعداد کل واژگان اضداد و چندمعنا: ۲۲؛ بسامد راهبردها با کفایت مثبت: محتبوی ۴۳٪، صفازاده ۳۶٪؛ بسامد راهبردها با کفایت منفی: محتبوی ۷٪، صفازاده ۱۴٪]

۲- در واژگان فرهنگی، مجتبوی در بیشتر موارد از راهبرد تحت‌اللفظی و یا تلفیقی از تحت‌اللفظی و شرح (در داخل دو خط یا کروشه) استفاده کرده و در وهله بعدی از راهبردهای معادل فرهنگی یا توصیفی را برای برون‌رفت از ابهام و زیاده‌گویی جایگزین می‌کند. چه بسا به همین علت گاهی دچار تکنیک منفی «ابهام در متن» به‌ویژه در تلمیحات قرآنی می‌شود. همچنین وی از پاورقی اصلاً استفاده نکرده است. صفارزاده درصد بالایی از ابهام‌ها را با راهبردهای معادل توصیفی یا معادل فرهنگی و پس از آن‌ها در مواردی با پاورقی و شرح شفافیت بخشیده است. به همین علت دچار تکنیک‌های منفی پرگویی و بسط خلاقانه شده است.

بنابراین، اگرچه بسامد راهبردهای هر یک از مترجمان در شفاف‌سازی ابهام‌های فرهنگی متفاوت است اما، هر دو مترجم تقریباً به یک اندازه سعی در تصریح دارند. از دیگر سو، بسامد تکنیک‌های منفی در هر دو ترجمه یکسان است اگرچه در این بخش هم راهبردهای آن‌ها با هم متفاوت است. [تعداد کل واژگان فرهنگی: ۷۵ واژه؛ بسامد راهبردها با کفایت مثبت: هر دو مترجم: ۴۶٪؛ بسامد راهبردها با کفایت منفی: هر دو مترجم: ۴٪]

۳- در ابهام‌زدایی بخش واژگان مجازی شامل کنایه، مجازهای لغوی و اسنادی، استعاره، هر دو مترجم سعی دارند بوسیله راهبرد معنایی-ارتباطی بیش از دو راهبرد دیگر معنایی و یا ارتباطی به بازگردانی واژگان پردازند. این راهبرد در ترجمه مجتبوی بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده است؛ به‌ویژه در تصریح کنایه‌ها، به طوری که در اکثر موارد بعد از ترجمه معنایی کنایه، به تصریح آن‌ها در داخل کروشه یا خط فاصل پرداخته است.

اگرچه صفارزاده راهبرد معنایی-ارتباطی را بیشتر از راهبرد ترجمه ارتباطی به کار برده است اما، بیش از مجتبوی به ترجمه ارتباطی پرداخته است. به عبارت دیگر، صفارزاده به ویژه در تصریح کنایه‌ها به ترجمه ارتباطی یعنی بیان مصرح‌عنه بسیار بیشتر از مجتبوی تکیه دارد. در نتیجه بیش از وی از زبان مبدأ دور شده و به زبان مقصد نزدیک‌تر است. از سوی دیگر، هر دو مترجم دچار تکنیک‌های منفی به‌ویژه ابهام در متن مقصد، بسط خلاقانه و بسط

ساده شده‌اند. در این بخش صفارزاده به‌ویژه در استفاده از افزوده‌سازی بیش از مجتبوی دچار تداخل در تکنیک‌های منفی می‌شود. [تعداد کل واژگان مجازی: ۱۲۲ واژه؛ بسامد راهبردها با کفایت مثبت: هر دو مترجم: ۴۳٪؛ بسامد راهبردها با کفایت منفی: مجتبوی: ۵٪، صفارزاده: ۹٪]

به طور کلی، مجتبوی با تکیه بر سبک ارتباطی، به همان اندازه که به خواننده مقصد توجه دارد، در تلاش است از متن اصلی قرآن دور نشود و به‌ویژه در مواردی که نیاز به شرح مبسوط است، دچار ابهام شده یا ابهام‌ها در حد خود باقی می‌مانند. راهبردهای وی در ترجمه مجازها به‌ویژه کنایه‌ها و واژگان اضداد و چندمعنا دارای بسندگی و پذیرفتگی بالایی است و بیش از صفارزاده دارای مقبولیت و کفایت مثبت است. همانگونه که کمتر از وی دچار تکنیک‌های منفی می‌شود. صفارزاده با سبک ترجمه آزاد، ارائه متنی مقصدمحور و به دور از هرگونه ابهامی است. به همین دلیل بیش از مجتبوی دچار تکنیک‌های منفی چون افزوده‌های خلاقانه و پیچیده به صورت اشراب شده در متن، در شفاف‌سازی ابهام‌ها می‌شود، به‌ویژه در واژگان چندمعنا و مجازی. اگرچه این راهبردها در ترجمه واژگانی که نیازمند توضیح مفصل هستند همچون تلمیحات قرآنی، دارای بسندگی و پذیرفتگی بالایی است. در نتیجه، ترجمه مجتبوی (البته با تفاوت کمی) زمینه بیشتری برای حصول پذیرفتگی و بسندگی بهتر در ابهام‌زدایی واژگانی فراهم کرده است.

به‌کارگیری برخی از راهبردهای مثبت و مقبول هر یک از مترجمان در ترجمه یکدیگر در کاهش نقاط ضعف آن‌ها مؤثر است. به طور مثال در ترجمه تلمیحات قرآنی می‌توان برخی از راهبردهای صفارزاده را جایگزین راهبردهای مجتبوی کرد و همچنین کاهش توضیحات اضافه و خلاقانه و یا ایجاد فاصل بین ترجمه اصلی و توضیحات و شرح‌ها براساس راهبردهای مجتبوی در ترجمه مجازها و واژگان چندمعنا، می‌تواند میزان کفایت و مقبولیت را در ترجمه صفارزاده بهبود بخشد. از این نظر، پژوهش حاضر با ارائه نقاط ضعف و قوت مترجمان در به‌کارگیری راهبردهای بازگردانی ابهام‌ها به‌ویژه عناصر مجازی

راهبردهای صفارزاده و مجنوبی در «ابهام زدایی» واژگانی قرآن کریم ... _____ مرضیه رحیمی آذین و همکاران

و فرهنگی در پی کاستن از ضعف‌ها و تقویت توانمندی‌های دو مترجم و همچنین کاربرد راهبردهای مقبول و با کفایت مثبت دیگر مترجمان است.

۵- پی نوشت

1. Translation Quality Assessment
2. Peter newmark
3. Paraphrase
4. Ambiguity
5. Carmen Valero Garces
6. Eugene A. Nida
7. Viney & Darbelent
8. Adequacy
9. Acceptability
10. Semantic-lexical
11. Syntactical-morphological
12. Discursive-functional
13. Stylistic-pragmatic
14. Definition
15. Cultural Equivalent
16. Grammatical Expansion
17. Explanation
18. Grammatical Reduction
19. Literal Translation
20. Creative expansion
21. Elaboration versus Simplification
22. Lexical ambiguity
23. Naturalization

۶- منابع

*قرآن کریم

- ۱- آذرشب، محمدعلی، ملکی، معصومه، اسداله‌ئی، لیلا، «تطبیق و ارزیابی ترجمه‌های قرآن کریم فولادوند و الهی‌قمشه‌ای براساس الگوی گارسس (مطالعه موردی: سوره مبارکه قمر)»، *مطالعات ترجمه قرآن و حدیث*، دوره ۱۶، شماره ۱۲، ۲۶۰-۲۲۵، (۱۳۹۸ش).
- ۲- ابن‌الانباری، محمد به قاسم، *کتاب الاضداد*، بیروت: مکتبه العصریة، (بی تا).
- ۳- ابن منظور، *لسان‌العرب*، بیروت: دار صادر، (۱۴۱۰ق).
- ۴- اسعدعرار، مهدی، *ظاهرة اللبس فی العربية، جدل التواصل و التفاصيل*، ط: ۱، عمان: دار وائل للنشر، (۲۰۰۳م).
- ۵- اقبالی، مسعود، نامداری، ابراهیم، «نقد و بررسی ترجمه الهی‌قمشه‌ای و مکارم شیرازی از سوره مبارکه یوسف با تأکید بر نظریه سطح صرفی نحوی گارسس»، *پژوهش‌های زبانشناختی قرآن*، سال ۷، شماره اول، پیاپی (۱۳)، ۱۵۴-۱۳۶، (۱۳۹۷ش).
- ۶- امرایی، محمدحسن، «نقد ارزیابی کیفیت ترجمه قرآن آیت‌الله یزدی براساس الگوی گارسس (مطالعه موردی سوره بقره)»، *مطالعات ترجمه قرآن و حدیث*، دوره ۵، شماره ۱۰، ۴۶-۱، (۱۳۹۷ش).
- ۷- تفتازانی، سعدالدین، *شرح المختصر فی المعانی و البیان و البدیع*، ط: ۶، قم: اسماعیلیان، (۱۴۳۱ق).
- ۸- جواهری، محمدحسن، «ابهام‌شناسی در ترجمه قرآن»، *پژوهش‌های قرآنی*، سال ۱۴، شماره ۵۳، ۲۰۱-۱۸۷، (۱۳۷۸ش).
- ۹- جوهری، محمد بن حماد، *الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربیة، القاهرة: دارالحدیث*، (۲۰۰۹م).
- ۱۰- حیدریان، اکبر، مرتضایی، جواد، صالحی‌نیا، مریم، «ابهام و ابهام‌آفرینی در تلمیحات اسطوره‌ای، حماسی و عیسوی دیوان خاقانی»، *کهن‌نامه ادب پارسی*، سال ۹، شماره ۱، ۲۶-۱، (۱۳۹۷ش).
- ۱۱- زمخشری، محمود بن عمر، *الکشاف عن حقائق التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل*، ط: الثالث، بیروت: دارالمعرفة، (۲۰۰۹م).

راهبردهای صفارزاده و مجتوی در «ابهام زدایی» واژگانی قرآن کریم ... _____ مرضیه رحیمی آذین و همکاران

- ۱۲- زندرحیمی، مینا، «بررسی مقایسه‌ای افزوده‌های تفسیری در پنج ترجمه معاصر فارسی و انگلیسی»، *زیان پژوهی دانشگاه الزهرا (س)*، سال ۱۰، شماره ۲۹، ۱۴۹-۱۱۷، (۱۳۹۷ش).
- ۱۳- شمس آبادی، حسین، شاهسونی، مجتبی، «آسیب‌شناسی ترجمه در بخش‌های خبری رسانه‌های عربی زبان برون‌مرزی (شبکه العالم، شبکه الکوثر و رادیو عربی)» *پژوهش‌نامه رسانه بین‌الملل*، سال ۳، شماره ۳، ۲۹۴-۲۷۵، (۱۳۹۷ش).
- ۱۴- شهبازی، محمود، شهبازی، علی اصغر، «واژگان چندمعنا و اهمیت آن در ترجمه قرآن کریم»، *مطالعات ترجمه قرآن و حدیث*، دوره ۱، شماره ۱، ۶۸-۴۷، (۱۳۹۳ش).
- ۱۵- شیرینی، قهرمان، «ابهام ادبی»، *فنون ادبی دانشگاه اصفهان*، سال ۳، شماره ۲، پیاپی ۵، ۳۶-۱۵، (۱۳۹۰ش).
- ۱۶- صفارزاده، طاهره، ترجمه قرآن کریم، چ: دوم، تهران: مؤسسه فرهنگی جهان رایه کوثر، (۱۳۸۰ش).
- ۱۷- طباطبائی، السید محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، المجلد: ۲۰، بیروت: مؤسسة الأعلى للطبوعات، (۱۴۱۷ق).
- ۱۸- طبری، محمد بن طبری، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار المعرفه، (بی تا).
- ۱۹- طبرسی، شیخ أبوعلی الفضل بن الحسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، الجزء العاشر، لبنان: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع- بیروت، (۱۴۱۴ق).
- ۲۰- طوسی، محمد ابن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العالمی، (بی تا).
- ۲۱- فتوحی، محمود، «ارزش ادبی ابهام از دو معنایی تا چندلایگی معنا»، *مجله ادبیات و علوم انسانی*، سال ۱۶، شماره ۶۲، ۳۶-۱۹، (۱۳۸۷ش).
- ۲۲- فرزانه، شهین، *ارزیابی و مقایسه ترجمه‌های فارسی رمان انگلیسی شاهزاده و گدا اثر مارک تواین بر اساس مدل گارسس (۱۹۹۴)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، شیراز: دانشگاه شیراز، (۱۳۸۷ش).
- ۲۳- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، *القاموس المحيط*، دمشق: دارالرسالة، (۱۹۹۸م).
- ۲۴- قرعای، سلیمان بن صالح، *الوجوه و النظائر فی القرآن الکریم*، دراسته و موازنه، جامعه ملک فیصل: الاحساد (۱۴۱۰ هـ).

- ۲۵- مجتوی، جلال الدین، ترجمه قرآن کریم، تهران: کیهان اندیشه، (۱۳۷۲ش).
- ۲۶- مختاری اردکانی، محمد علی، «چارچوبی نظری برای ارزیابی ترجمه»، مترجم، شماره ۲۵، ۵۸-۵۰، (۱۳۷۶ش).
- ۲۷- ناظمیان، رضا، خورشیا، صادق، «تکنیک‌های روان‌سازی متن ترجمه در سه حوزه ساختار جمله، زمان و ضمائر»، پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، سال ۹، شماره ۲۰، ۲۷۲-۲۴۷، (۱۳۹۸ش).
- ۲۸- نظری، یوسف، «وجه ابهام یا ابهام نحوی در زبان عربی و تأثیر آن بر ترجمه قرآن کریم»، ترجمه در زبان و ادبیات عربی، سال ۶، شماره ۱۵، ۸۸-۶۴، (۱۳۹۵ش).
- ۲۹- نیومارک، پیتر، دوره آموزش فنون ترجمه، تر: منصور فهیم و سعید سبزیان، تهران: رهنما، (۱۳۷۲ش).
- 30 - Garcés, Carman Valero , "A methodological proposal for the assessment of translated literary works" , *Babel*, 40:277 -120, (1994)